

| | | |
|-----------------------|-------------|--------------|
| شماره یا نام مصحح اول | نمره به عدد | نمره به حروف |
| | | |
| شماره یا نام مصحح دوم | نمره به عدد | نمره به حروف |
| | | |

مهر مدرسه

| | |
|---------------|---|
| کد امتحان : | ۳۹۷۲/۱۴ |
| تاریخ آزمون : | ۱۳۹۸/۰۴/۰۲ |
| عنوان: | اصول فقه ۶ |
| کتاب: | حلقه نالته - جزء دوم |
| محدوده: | از ابتدای الخاتمه فی تعارض الادله تا پایان کتاب |

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلکبی: مدرسه علیه: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- مراد از تعارض در اصول چیست؟ ص ۳۱۷

- الف. التعارض فی المدلول
- ب. التعارض فی النتيجة
- ج. التعارض فی الجعل
- د. التعارض فی ادلة الحجية

۰/۵

۲- نظر شهید صدر (ره) درباره تعارض بین دو دلیل «اذا خفی الاذان فقصر» و «اذا خفیت الجدران فقصر» چیست؟ ص ۳۴۴

- الف. تقدّم المنطوق على المفهوم للاظهرية
- ب. تقدّم المفهوم على المنطوق للاخصية
- ج. تقدّم المنطوق على المفهوم للاخصية
- د. يتعارضان و يتساقتان فلا جمع عرفی

۰/۵

۳- دلیل شهید صدر (ره) بر مقدم شدن استصحاب بر برائت در هنگام تعارض بین این دو اصل چیست؟ ص ۳۵۳

- الف. دلیل الاستصحاب اظهر فی الشمول
- ب. حکومت دلیل الاستصحاب على دليل البرائة
- ج. ورود دلیل الاستصحاب على دليل البرائة
- د. دلیل الاستصحاب اقوى فی الحجية

۴- از دیدگاه مصنف دو مرجح صفات و شهرت در مقبوله عمر بن حنظله، به ترتیب مربوط به ترجیح حکم حکام یا روایت روات است؟ ص ۳۸۴-۳۸۵

۰/۵

- الف. حکم الحکام - رواية الرواة
- ب. رواية الرواة - حکم الحکام
- ج. رواية الرواة - رواية الرواة
- د. حکم الحکام - حکم الحکام

۵- دلیل حکم توارد در عبارت «ان يكون الحكم في احد الدليلين مقيداً بعدم ثبوت حكم على الخلاف و اما الحكم الثاني فهو مقيد بعدم امتثال حكم مخالف ففي مثل ذلك يكون دليل الحكم الثاني تاماً و مدلوله فعلياً فقط» را به همراه مثال تبیین نمایید.

۲

ص ۳۲۳

جواب: توارد یعنی هر دو دلیل، رافع موضوع یکدیگر باشند؛ عبارت مطرح می کند که یکی از دو دلیل، مقید است به عدم ثبوت حکم دیگر و حکم دوم مقید به عدم امتثال حکم اول است مثلاً شخصی به دلیل نذر زیارت امام حسین(ع) در عرفه، باید در کربلا باشد و با توجه به استطاعت، حج بر او واجب است از طرفی «وجوب وفاء بالنذر مقید است به عدم وجوب حج» و «وجوب حج مقید است به عدم امتثال وجوب وفاء بالنذر» در این صورت حکم دوم یعنی وجوب حج فعلی است و موضوع دلیل حکم اول یعنی وجوب وفاء بالنذر را رفع می کند ولی حکم اول نمی تواند فعلیت یابد و موضوع حکم دوم را رفع کند زیرا اگر بگوییم حتی در صورت غیر امتثال فعلیت دارد، که محال است زیرا در صورت عدم امتثال، حکم دیگر فعلیت می یابد و اگر بگوییم در صورت امتثال اثبات می شود که باز محال است زیرا ممتنع است حکم اختصاص به فرض امتثال داشته باشد [زیرا امتثال فرع ثبوت حکم است و نمی تواند حکم فرع ثبوت امتثال گردد]

۶- دو فرق اساسی نظر مرحوم نائینی^(ه) و شهید صدر^(ه) در بیان دلیل تقدیم «حاکم بر محکوم» را تبیین نمایید. ص ۳۳۰

۲

جواب: ۱- طبق نظر شهید صدر(ره) حکومت دلیل حاکم متوقف بر اثبات ناظر بودن بر دلیل محکوم است در صورتی که طبق نظر مرحوم نائینی(ره) دلیل حاکم مانند دلیل وارد است که صرف تصرف در موضوع برای حکومت کفایت می نماید ۲- با توجه به نظر مرحوم نائینی(ره) فقط می توان حکومت ادله ای را که در موضوع تصرف می کنند تفسیر نمود و نمی توان حکومت دلیلی که در حکم تصرف می کند مانند ادله لاجرح و لاضرر را تفسیر کرد.

۷- دلیل محقق نائینی^(ه) بر «انقلاب نسبت» را تبیین کرده، نقد شهید صدر^(ه) بر آن را بنویسید. ص ۳۳۵-۳۳۶

۲

جواب: دلیل محقق نائینی (ره): معارضه بین دو حجت است و عام اول به دلیل وجود قرینه منفصله در عموم حجت نیست و معنا ندارد غیر حجت با حجت معارضه کند، در نتیجه نسبت منقلب می شود، نقد: هر چند معارضه شأن دلالتی است که از حجت ساقط نشده است لکن معارضه و قرینیه اخص دو مساله است و بحث در حقیقت در قرینیت اخص است نه معارضه و با توجه به مرتکبات عرفی ضروری نیست که در این مساله اخصیت در مجال معارضه اراده شود بلکه می توان اخصیت را فی نفسه لحاظ نمود و سقوط حجت عام در برخی از موارد موجب نمی شود که عام مانند دلیلی که از ابتدا خاص بوده است گردد.

۸- عبارت «ولاتنافی بین حجبتین مشروطتین بان یلتزم بحجیه کل من الدلیلین لکن لا مطلقاً بل شریطه ان لا یکون الاخر صادقاً و لا محذور فی ثبوتهما اذا لم یکن کذب کل من الدلیلین مستلزماً لصدق الآخر و الا رجعنا الی اناطه حجیه کل منهما بصدق نفسه و هو غیر معقول» را در بحث «احتمالات در تعارض مستقر» توضیح داده، در چه صورتی حجت تخییری مشروط، غیر معقول است؟ ص ۳۵۹

۲

جواب: یکی از احتمالات مطرح در تعارض مستقر، حجت تخییری است که با توجه به اینکه مفاد دلیل حجت فرد است نه جامع، این شق ابطال شده است ولی شهید صدر (ره) مطرح می کند که بازگشت حجت تخییری فقط به حجت جامع نیست بلکه می توان به حجبتین مشروطتین بازگشت نماید به این نحو که هر کدام از دو دلیل مشروط به عدم صدق دیگری (کذب آن) باشد و در این صورت صرفاً از اطلاق دلیل حجت رفع ید شده است و محذوری نیست، اما اگر نسبت بین دو دلیل، به صورت نقیض باشد مثل صل و لاتصل که در این صورت تقیید، صحیح نیست زیرا با توجه به اینکه اگر نقیض کاذب باشد، اصل صادق است و بالعکس، مشروط بودن حجت «صل» به کذب «لاتصل» معنا می دهد، مشروط بودن حجت صل به صدق خودش و این غیر معقول است زیرا اگر صادق باشد نیازی به اثبات حجت آن نیست.

۹- با توجه به روایت «إذا ورد علیکم حدیث فوجدتم له شاهداً من کتاب الله أو من قول رسول الله (صلی الله علیه و آله) و إلا فالذی جاء به أولى به» که مجموعه دوم روایات عرض روایات به کتاب می باشد، به سؤالات زیر پاسخ دهید. ص ۳۷۱

۲

الف) مصنف مضمون این روایت را مساوی با الغاء حجت مطلق خبر واحد می داند؛ دلیل ایشان بر مدعای مذکور چیست؟
جواب: زیرا طبق این روایت، از عمل به روایاتی که مطابقی در کتاب خدا برای آنها نیست، نهی شده است، از سوی دیگر حجیت اخباری که برای آنها مطابقی در کتاب خدا وجود دارد، خالی از فایده است زیرا در این گونه موارد همان دلالت قرآنی کفایت می کند. در نتیجه روایات غیر مطابق با کتاب مورد نهی قرار گرفته و حجیت روایات مطابق با کتاب خدا، خالی از فایده است و معنای این مطلب غیر از الغاء حجت مطلق خبر واحد نیست. (۱ نمره)
ب) آیا با استناد به روایت مذکور می توان بر نفی حجیت خبر واحد استدلال کرد؟ چرا؟
جواب: خیر؛ (۵/۰ نمره) زیرا نفس همین خبر از اخبار آحاد است و روشن است که با خبر واحد نمی توان بر عدم حجیت خبر واحد استدلال کرد. (۵/۰ نمره)

۱۰- معنای «تخییر اصولی» و «تخییر فقهی» را تبیین کرده، تفاوت این دو چه نتیجه عملی دارد؟ ص ۳۸۸

۲

جواب: مراد از تخییر اصولی تخییر در حجت است به این معنا که تخییر ثابت است در حجت یکی از دو خبر و مکلف باید ملتزم به مضمون یکی از دو خبر بوده و یکی را به شارع اسناد دهد و مراد از تخییر فقهی تخییر در حکم فقهی و جری عملی مستفاد از دو روایت است و مکلف باید طبق یکی از دو خبر عمل کند. (۵/۱ نمره) مجتهد در تخییر اصولی، طبق مضمون خبری که اختیار کرده، فتوی می دهد و اختیاری برای مکلف نیست ولی در تخییر فقهی، مجتهد فتوای به تخییر می دهد در این صورت مکلف مخیر است. (۵/۰ نمره)

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۳۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و موابجوی ضروری می باشد.»